

نقش زنان در توسعه پایدار محیط زیست

حسین اکبری *

چکیده: توسعه پایدار، توسعه‌ای است که نیازهای نسل‌های کنونی را بدون خدشه وارد کردن به توانایی نسل‌های آینده در تأمین احتیاجاتشان برآورده کند. یکی از الزامات اساسی توسعه پایدار استفاده صحیح از منابع موجود می‌باشد. مقاله حاضر به بررسی نقش زنان در توسعه پایدار در بعد زیست محیطی به‌عنوان یکی از ابعاد مهم توسعه پایدار (در کنار ابعاد اقتصادی و اجتماعی) می‌پردازد. در دستور کار ۲۱ اجلاس ریو، زنان به‌عنوان یکی از گروه‌های اصلی در دستیابی به توسعه پایدار در نظر گرفته شده‌اند. بر اساس خط‌مشی اقدام در اجلاس ریو، سیاست‌هایی که زنان و مردان را به‌طور یکسان دربرگیرد، در بلندمدت موفق نخواهد بود. مقاله حاضر پس از بررسی ادبیات مربوط به نقش زنان در توسعه پایدار به‌ویژه بعد زیست محیطی آن، با استفاده از داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی برای ۵۰ کشور جهان، اقدامات عملی و تشکیلاتی زنان را در مورد مسائل زیست محیطی بررسی نموده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که زنان در اکثر کشورها بیشتر از مردان اقدامات عملی در حفاظت از محیط زیست و مصرف بهینه از منابع انجام می‌دهند، در حالی که در زمینه اقدامات تشکیلاتی و حضور در تصمیم‌گیری‌ها و چانه‌زنی‌های زیست محیطی چندان فعال نیستند. بررسی اقدامات زیست محیطی زنان در گروه‌های نسلی مختلف نشان می‌دهد که زنان میانسال اقدامات عملی بیشتری در حفاظت از محیط زیست انجام می‌دهند، این در حالی است که در اقدامات تشکیلاتی گروه‌های نسلی جوان‌تر حضور فعال‌تر و بیشتری در سازمان‌های زیست محیطی دارند.

واژگان کلیدی: اقدامات عملی و تشکیلاتی، توسعه پایدار، زنان، محیط زیست.

۱. مقدمه و بیان مسأله

نگاهی به روند زندگی بشری طی چند قرن اخیر نشان می‌دهد که توسعه به‌ویژه توسعه پایدار بدون در نظر گرفتن نقش زنان ممکن نیست. مطالعات انجام شده در تعداد زیادی از جوامع نشان داده است که زنان عامل مهمی برای رشد و توسعه هستند. توانایی آنها در پس انداز و سرمایه‌گذاری در خانواده به خوبی به اثبات رسیده است. زنان به‌عنوان مراقبت‌کنندگان از تغذیه خانواده، با گرسنگی و سوء تغذیه مبارزه می‌کنند. نقش عظیم و نانوشته‌ی آنها در کشاورزی، بقای بسیاری از اجتماعات معیشتی را در زمین‌های حاشیه‌ای تبیین می‌کند [۲۸، ص ۷۱]. اما عموماً این نقش زنان در برنامه‌ریزی‌های محلی و منطقه‌ای نادیده گرفته شده است و فعالیت‌های روزمره زنان امری عادی و فاقد تاثیر ساختاری خاص در نظر گرفته شده است. در حقیقت زنان به‌عنوان کنشگرانی منفعل در روند تحولات بشری نگریسته شده‌اند.

این در حالی است که مشارکت زنان همراه با مردان در تمامی مسائل نشان‌پذیرش برابری ارزش انسانی همه‌آحاد جامعه می‌باشد که با همدیگر در امور مختلف همکاری نموده و از طریق آن دست به تحول می‌زنند و تغییراتی مثبت را به وجود می‌آورند که برای آینده کل جامعه می‌تواند مفید باشد [۴].

اجلاس سازمان ملل روی توسعه و محیط زیست (UNCED) در ریو دوزانیرو در سال ۱۹۹۲ اتفاق مهمی برای زنان سراسر جهان بود. زیرا نقش قاطع زنان در دستیابی به نوعی متفاوت از توسعه را که به‌طور اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی پایدار باشد، بازشناسی کرد و سهم اساسی آنان را در مدیریت محیط زیست و توسعه‌ی بیشتر مورد تأکید قرار دارد [۱۱، ص ۲۴۹؛ ۲۰، ص ۲]. در دستور کار ۲۱ این اجلاس، زنان به‌عنوان یک گروه اصلی^۱ که مشارکت آنها در دستیابی به توسعه پایدار ضروری است، مورد توجه قرار گرفته‌اند [۲۵، ص ۱؛ ۲۰، ص ۲]. بر اساس خط مشی اقدام در این اجلاس، توانمندسازی زنان، مشارکت کامل و برابری زنان، پایه‌هایی برای صلح و توسعه پایدار هستند.

^۱. Major Group

براساس این خط مشی سیاست‌هایی که زنان و مردان را به‌طور یکسان در بر نگیرد، در بلند مدت موفق نخواهد بود [۱۱، ص ۲۴۹]. این امر در سایر اجلاس‌های جهانی و منطقه‌ای و به‌ویژه اجلاس هزاره سازمان ملل نیز مورد تأکید قرار گرفت. بر اساس اهداف توسعه هزاره، برابری جنسی و توانمندسازی زنان به‌عنوان روش‌های موثر در مبارزه با فقر، گرسنگی و بیماری و ایجاد توسعه‌ای که به‌طور واقعی پایدار باشد، در نظر گرفته شده است [۲۱، ص ۴؛ ۱۸، ص ۱۸۶].

در واقع توجه به نقش زنان در فرایند توسعه از اوایل دهه هفتاد میلادی، ناشی از دو واقعیت مهم عدم تحقق کلی نظریات توسعه در بهبود وضعیت کشورهای جهان سوم و موقعیت نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان در این کشورها بود [۲، ص ۱۷۰]. هر چند این تأکیدات طی چند دهه اخیر توجهاتی را به ضرورت بازنگری در برنامه ریزی‌های توسعه و تغییر در نگرش نسبت به نقش زنان در جامعه ایجاد کرده است، اما هنوز بسیاری از ابعاد این امر کاملاً مشخص نیست و هنوز زنان نتوانسته‌اند حتی در روند زندگی عادی روزمره خود، جایگاه خاصی در روند توسعه بدست آورند، در حقیقت به زنان به‌عنوان مجریان برنامه‌های توسعه‌ای که از سوی مردان طراحی و تدوین می‌شوند، نگرسته می‌شود. بنابراین «مشارکت زنان را می‌توان به‌عنوان عامل اصلی در موفقیت برنامه‌ها به شمار آورد و از این لحاظ زنان می‌باید در شکل دادن به برنامه‌ها دخالت نمایند و احساس نمایند که برنامه‌ها متعلق به آنان است» [۴]. بر این اساس مقاله حاضر در پی بررسی نقش زنان در توسعه پایدار در بعد زیست محیطی است.

۲. مفاهیم و ملاحظات نظری

۱-۲. توسعه پایدار

مفهوم توسعه پایدار در کشورهای مختلف به روش‌های گوناگون تعریف، درک و تفسیر شده است. این تفاوت‌ها، تنوع در شرایط زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را منعکس می‌کند [۲۷، ص ۳۶۳].

واژه توسعه پایدار نخستین بار در سال ۱۹۸۰ در گزارش انجمن بین المللی حفاظت از منابع طبیعی (IUCN) تحت عنوان «استراتژی حفاظت از منابع طبیعی» استفاده شد و از طریق گزارش موسوم به «آینده مشترک ما» که گزارش برون ت لند^۲ نیز نامیده می شود و توسط کمیسیون محیط زیست و توسعه سازمان ملل تهیه شده، به طور گسترده‌ای اشاعه یافت. بر اساس تعریف این گزارش، توسعه پایدار توسعه‌ای است که نیازهای نسل‌های کنونی را بدون خدشه وارد کردن به توانایی نسل‌های آینده در تأمین نیازهای شان برآورده سازد [۲۴، ص ۵۱؛ ۹، ص ۶۷۵].

رابینسون^۳ معتقد است، منظور از توسعه پایدار، روندی از توسعه اقتصادی است که منابع را تحلیل^۴ نبرد و هزینه‌های زیست محیطی منفی برای بقای کره زمین ایجاد ننماید. همچنین این اصطلاح شامل آن است که منافع اقتصادی چنین توسعه‌ای باید به‌طور وسیع منتشر شود. مانگی^۵ توسعه پایدار را بهبود ممتد در سطوح زندگی مردم به‌ویژه افراد فقیر و گروه‌های فاقد مزیت می‌داند [۲۰].

تفاوت تعاریف ارائه شده از توسعه پایدار عمدتاً ناشی از برداشت‌های مختلف از واژه پایداری است. در حالی که بعضی روی تعادل طبیعی یا اکوسیستمی متمرکز هستند، دیگران رشد اقتصادی پایدار را مد نظر دارند. از سوی دیگر برای دیگران حفظ سنت‌ها یا ظرفیت ارضای نیازهای انسانی، اشاره به پایداری دارد [۹، ص ۶۷۸].

به‌طور کلی تفاسیر از توسعه پایدار چند بعدی هستند. اغلب میان اهداف اجتماعی (شامل عدالت، مشارکت، برابری، توانمند سازی، پایداری نهادی، انسجام فرهنگی و...) اهداف اکولوژیکی (شامل حفظ تنوع زیستی، حفظ منابع طبیعی و...) و اهداف اقتصادی (شامل رشد، کارایی و رفاه مادی و...) تمایز قائل می‌شوند [۱۷، ص ۲۱۷؛ ۲۴، ص ۵۳]. چنین تصور چند بعدی مسیر اصلی در تحلیل و دفاع از توسعه پایدار را نشان می‌دهد.

2 . Brundtland

3 . Rabinson

4 . Use Up

5 . Mwangi

از سوی دیگر از زمان مطرح شدن توسعه پایدار در گزارش برانت لندن، تمایز بین سیاست‌گذاری پایدار از سیاست‌گذاری زیست محیطی مشکل‌تر شده است. گزارش‌های مربوط به توسعه پایدار اغلب با عباراتی درباره پایداری به‌عنوان حراست از رفاه نسل‌های آینده شروع می‌شود اما سپس با تأکید بر سیاست‌های زیست محیطی ادامه می‌یابد [۲۳، ص ۳۳۹].

همانگونه که دوسون^۶ (۲۰۰۳) نیز اشاره می‌کند، کار روی توسعه پایدار اساساً درباره حفاظت از محیط زیست است. در اصطلاحات سیاست‌گذاری توسعه پایدار در نهایت درباره بهبود زیست محیطی و چالش‌های آن می‌باشد. آگه من و همکاران او (۲۰۰۳) نیز اشاره می‌کنند که مباحث تئوری‌های پایداری روی محیط زیست متمرکز است [۱۷، ص ۲۱۶]. این امر نشان دهنده اهمیت مسائل زیست محیطی در عصر حاضر و چالش‌های فرا روی آن و نتایج مستقیم آن بر نسل کنونی و نسل‌های آینده است.

۲-۲. زنان و پایداری محیط زیست

واندا شیوا^۷ (۱۹۸۹) معتقد است که اکثر تحقیقات در مورد زنان و محیط زیست، روی زنان به‌عنوان قربانیان ویژه تخریب محیط زیست متمرکز شده‌اند. در حالی که در کنار این دیدگاه، توجه به بازشناسی نقش زنان در مدیریت منابع پایدار، مهم است [۷، ص ۲]. طبق نظر هماتی^۸ (۲۰۰۰) مدارکی وجود دارد که زنان از نظر زیست محیطی نسبت به مردان آگاه‌ترند و بیشتر در فعالیت‌های حفاظت از محیط زیست از قبیل بازیافت مواد زائد، استفاده مجدد از مواد زائد، خرید آگاهانه کالاهای سازگار با محیط زیست و... درگیر هستند [۸، ص ۱۸].

اکوفمینیست‌ها بحث می‌کنند که به‌طور تاریخی دانش زنان از طبیعت به حفظ زندگی کمک می‌کند. نظریه اکوفمینیستی تسلط و بهره‌کشی تاریخی زنان و طبیعت را در کنار یکدیگر ترسیم کرده و هر دو را قربانیان توسعه در نظر گرفته است. بر اساس

⁶ Dobson

⁷ Vanadana Shiva

⁸ Hemmati

این دیدگاه هر آسیبی به طبیعت به زنان آسیب می‌رساند [۲۲]. اکولوژیست‌های سیاسی فمینیست نیز نشان داده‌اند که زنان در کشورهای در حال توسعه دانش عمیقی درباره بذرها، بوته‌ها، گیاهان و درختان و در کل منابع طبیعی دارند [۱۳، ص ۳۱۴].

بنابراین در یک رهیافت و فرایند توسعه از پایین به بالا و حساس به جنسیت، زنان در کشورهای در حال توسعه یک عنصر کلیدی توسعه در کل و به‌ویژه در زمینه حفاظت از محیط زیست هستند [۱۳، ص ۳۱۴].

در اکثر نقاط جهان زنان و دختران مسئول گردآوری آب برای پخت و پز، نظافت و بهداشت هستند و چون موجودی آب به‌طور فزاینده‌ای محدود شده‌است، آلودگی ناشی از فشار جمعیت و پیامدهای خصوصی سازی، بقاء زنان و خانواده شان را به خطر انداخته است. بنابراین بهبود در تامین آب منوط به آن است که زنان یک محور تصمیم‌گیری باشند [۲۱، ص ۵].

بر اساس مطالعات بسیاری که انجام شده است، زنان روستایی قسمت زیادی از کارهای کشاورزی را بر عهده دارند. در مورد منابع طبیعی می‌توان کارکرد زنان را از طریق نقشی بررسی کرد که آنها در مساله آب و خاک دارند [۱، ص ۶۳].

از سوی دیگر نقش زنان در مدیریت خانه و در زمینه تولید و دفع زباله‌های خانگی از مواردی است که تاثیر مستقیم بر محیط زیست دارد. انتخاب روش‌های سالم و بهداشتی دفع زباله‌ها و تفکیک و بازیافت مجدد آنها، مدیریت تولید زباله و... از مواردی هستند که زنان به‌طور مستقیم در آن نقش دارند. نقش تربیتی زنان نیز در این میان حائز اهمیت بسیاری است. تربیت و آموزش اصول حفظ محیط زیست به فرزندان و آموزش عملی روش‌های جلوگیری از تخریب محیط زیست تاثیر قابل توجهی بر تربیت نسلی مراقب و نه مخرب محیط زیست خواهد داشت.

مطالب فوق نشان دهنده یک روی سکه است و روی دیگر آن تخریب محیط زیست توسط زنان است که علت عمده آن در کشورهای در حال توسعه، فقر و تلاش برای بقاء از هر طریق و بهره‌کشی زیاد از منابع طبیعی در دسترس است [۲۵، ص ۱۰]. این در حالی است که اکثریت فقراى جهان زنان و کودکان هستند. زنان بیش از ۶۰ درصد

افرادی را که زیر خط فقر هستند، شامل می‌شوند [۸، ص ۱۴]. بر این اساس بسیاری از کشورها با منطقی نمودن نوع ارائه خدمات با شرایط منطقه‌ای و محلی و توانمند سازی، به دنبال یافتن راه حل‌های قابل قبول برای بهبود خدمات رسانی و کمک به مردم برای رهایی از دام فقر هستند. چنین اقدامی مستلزم درک کافی از ارزش‌ها و توانمندی‌های این جوامع است [۲۸، ص ۷۳]. بنابراین کاهش فقر، بدون درک نقش‌ها و نیازهای متمایز زنان نمی‌تواند بدست آید. از این رو تمرکز روی ریشه‌کنی فقر، برابری جنسیتی و پایداری زیست محیطی در حقیقت نشان می‌دهد که بین کاهش فقر، توانمند سازی زنان و حفظ منابع طبیعی رابطه‌ای اساسی وجود دارد [۲۱، ص ۴].

۲-۳. مشارکت زنان و توسعه پایدار در بُعد زیست محیطی

به عقیده سگر^۹ یکی از اصول توسعه پایدار، اصل مشارکت عمومی و دسترسی به اطلاعات و عدالت است. این اصل معتقد است که مردم باید قادر به مشارکت در روندهای تصمیم‌گیری باشند، که بر رفاه و زندگی‌شان موثر است [۲۶، ص ۶۹]. یانگ^{۱۰} (۱۹۹۳) در کتابش به نام «برنامه‌ریزی و توسعه با زنان» درگیری زنان را در همه سطوح تفکر، برنامه‌ریزی و پیاده‌سازی توسعه را به‌عنوان ظرفیت‌سازی برای تغییر نه تنها در میان زنان، بلکه برای جامعه وسیع‌تر می‌بیند. او اشاره می‌کند که به دلیل اینکه زنان منابع با ارزشی هستند، تنها نباید به‌عنوان کارگران ساده برای استراتژی‌های توسعه‌ی طرح ریزی شده به‌وسیله دیگران دیده شوند، بلکه نیازمند آن هستند که به‌عنوان برنامه‌ریزان و طراحان توسعه بکار گرفته شوند [۱۸، ص ۱۸۷]. در اینجا مشارکت در تصمیم‌گیری اشاره به حضور فعال در طراحی، اجرا و بازنگری فعالیت‌های توسعه پایدار در همه سطوح دارد [۲۰، ص ۱۲].

در دهه‌های سیاست‌های جنبش محلی از دهه ۱۹۶۰ تا دهه ۱۹۸۰ زنان مشارکت‌کنندگان اصلی در سازمان‌های اجتماعی بودند، اما اغلب به‌عنوان رهبران شناخته

^۹. Segger

^{۱۰}. Young

نشده‌اند. در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ زنان مدافعان قوی برای کنترل اجتماعی خدمات و امنیت محلی بودند. علی‌رغم این، نقش برجسته زنان در ارتقاء و توسعه برنامه جامع در سازمان‌های بر پایه اجتماع، هرگز به‌طور کامل بازنمایی و مورد تقدیر قرارنگرفته است [۱۹، ص ۱۶۹؛ ۱۲، ص ۱۲۴]. بنابراین بررسی و مطالعات نشان داده است که با وجود اینکه زنان در دستیابی به شاخص‌های توسعه، محروم‌تر از مردان هستند، اما نقش کلیدی در توسعه اقتصادی و اجتماعی را بر عهده دارند [۳، ص ۱۴۲].

لوکاس^{۱۱} معتقد است مشارکت زنان در روند تصمیم‌گیری‌ها یک روند توانمندسازی است، فرصت‌هایی برای تصمیم‌گیری و تفکر جمعی فراهم می‌آورد، ظرفیت تفکر انتقادی را افزایش می‌دهد و موضوعات عدالت اجتماعی و کنش جمعی نسبت به اهدافی را که جامعه از آن نفع می‌برد، مجدداً نشان می‌دهد. او ادامه می‌دهد هنگامی که به زنان فرصت داده می‌شود می‌توانند با شرایط وفق یافته و بر عوامل بیرونی که زندگی خود و خانواده‌شان را شکل می‌دهد، تاثیر بگذارند [۱۸، ص ۱۸۷].

نمونه‌های بسیاری از اهمیت مشارکت زنان در برنامه‌های حفاظت از محیط زیست در پروژه‌های سازمانهای بین‌المللی و منطقه‌ای از قبیل سازمان ملل، بانک جهانی، فائو و... وجود دارد که نقش قاطع زنان را در روندهای اجرا و تصمیم‌گیری نشان می‌دهد. به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه که زنان بیشترین تماس مستقیم با محیط زیست را دارند، برنامه‌های حفاظت از محیط زیست آنها را به‌عنوان گروه‌های هدف در نظر گرفته و موفقیت این برنامه‌ها را علی‌رغم موانع زیاد، تابعی از مشارکت زنان می‌داند.

۳. روش تحقیق

مطالعه حاضر با روش تحلیل ثانویه انجام شده است. برای بررسی اقدامات زنان در حفاظت از محیط زیست و عوامل موثر بر آن در این بخش با استفاده از داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی برای ۵۰ کشور دنیا اقدام به بررسی این امر می‌شود. پیمایش ارزش‌های جهانی داده‌های قابل‌اعتنایی در سطح ملی برای کشورهای مختلف در زمینه

¹¹. M. Lucas

نگرش‌ها و اقدامات مختلف گردآوری نموده و تنها منبع معتبر در زمینه ارزش‌ها و نگرش‌ها با نمونه کشورهای زیاد می‌باشد. در این تحقیق از داده‌های موج سوم این پیمایش (۱۹۹۵-۱۹۹۹) که در آن اقدامات عملی پاسخ‌گویان در زمینه محیط زیست پرسیده شده، مورد استفاده قرار گرفته است.^{۱۲} تعداد کل نمونه مورد تحلیل ۷۸۶۰۲ نفر می‌باشد که از این میزان ۴۰۷۹۶ نفر را زنان و ۳۷۸۰۶ نفر را نیز مردان تشکیل می‌دهند.

در پیمایش اقدامات مربوط به حفاظت از محیط زیست پاسخ‌گویان، با شش سوال مورد سنجش قرار گرفته است که در پنج گویه اقدامات زیست محیطی مورد سوال قرار گرفته و در یک سوال، کیفیت عضویت پاسخ‌گویان در سازمان‌های زیست محیطی پرسیده شده است. در قسمت اقدامات زیست محیطی، اقدامات انجام شده در ۱۲ ماه گذشته مورد سوال قرار گرفته است: ۱- انتخاب کالاهایی که فکر می‌کنید برای محیط زیست بهتر است. ۲- تصمیم به استفاده مجدد به جای دور ریختن چیزها ۳- کاهش مصرف آب به دلایل زیست محیطی ۴- حضور در یک سخنرانی یا امضاء یک نامه یا طومار با هدف حفاظت از محیط زیست ۵- همکاری با یک سازمان زیست محیطی که در مورد انجام دادن یا انجام ندادن مورد سوال قرار گرفته است.

در سوال عضویت در تشکلهای داوطلبانه محیط زیست، عضویت فعال، عضویت غیر فعال و عدم عضویت پاسخ‌گویان در سازمان‌های زیست محیطی مورد سوال قرار گرفته است.

شش گویه فوق در تحلیل خوشه سلسله مراتبی با روش تفاوت اندازه-دوتایی^{۱۳} دو خوشه را تشکیل دادند که گویه‌های ۱- انتخاب کالاهایی که فکر می‌کنید برای محیط زیست بهتر است. ۲- تصمیم به استفاده مجدد به جای دور ریختن چیزها ۳- کاهش مصرف آب به دلایل زیست محیطی، یک خوشه و گویه‌های ۱- حضور در یک سخنرانی

^{۱۲} علی رغم در اختیار بودن داده‌های موج‌های چهارم و پنجم، به علت عدم سنجش متغیرهای مورد نظر مقاله در این دو موج، از داده‌های موج سوم استفاده شد.

^{۱۳} Binary- Size Difference

یا امضاء یک نامه یا طومار با هدف حفاظت از محیط زیست ۲- همکاری با یک سازمان زیست محیطی و ۳- عضویت در یک تشکل داوطلبانه محیط زیست، خوشه دوم را تشکیل دادند. بر این اساس گروه‌های دو خوشه با هم جمع و جمع انجام اقدامات برای هر خوشه دو متغیر اقدامات عملی (مصرف بهینه) (مقیاس بین ۰ تا ۳) و اقدامات تشکیلاتی (مقیاس بین ۰ تا ۴)^{۱۴} برای حفاظت از محیط زیست را تشکیل دادند.

برای بررسی عضویت انجمنی در سوال مربوط به عضویت در تشکل‌های زیست محیطی عضویت فعال و غیر فعال به‌عنوان عضویت و سایر، به‌عنوان عدم عضویت مورد تحلیل قرار گرفت.

۴. یافته‌های تحقیق

۴-۱. اقدامات عملی و اقدامات تشکیلاتی زنان

همچنان‌که اشاره شد اقدامات زیست محیطی با دو بعد اقدامات عملی (مصرف بهینه) و اقدامات تشکیلاتی مورد سنجش قرار گرفته است. در جدول شماره (۱) میانگین اقدامات عملی و تشکیلاتی برای حفاظت از محیط زیست به تفکیک جنسیت برای کشورهای مورد بررسی آورده شده است. همچنان‌که جدول نشان می‌دهد در بیشتر کشورهای مورد بررسی اقدامات عملی زنان در حفاظت از محیط زیست بیشتر از مردان می‌باشد. این روند در کشورهای نروژ، اسپانیا، فلاند، اتریش، نیوزیلند، استرالیا و ژاپن بیشتر می‌باشد و تنها در کشورهای بنگلادش، نیجریه، پرو و هند، مردان بیشتر از زنان اقدامات عملی در حفاظت از محیط زیست انجام می‌دهند.

^{۱۴} در خوشه دوم در گویه عضویت انجمنی عضویت فعال دارای ضریب ۲ و عضویت غیر فعال دارای

جدول ۱. میانگین اقدامات عملی و تشکیلاتی برای حفاظت از محیط زیست به تفکیک

جنسیت در کشورهای مورد بررسی

کشور	اقدام عملی (دامنه ۰-۳)		اقدام تشکیلاتی (دامنه ۰-۴)		اقدام عملی (دامنه ۰-۳)	
	زنان عضو	زنان غیر عضو	زنان	مردان	زنان	مردان
آلبانی	۱/۵۳	۱/۲۳	۰/۳۷▲	۰/۳۱	۱/۳۵▲	۱/۱
آذربایجان	۳/۱۳	۱/۳۷	۰/۱۰▼	۰/۱۵	۱/۳۷▼	۱/۳۸
آرژانتین	۱/۹۲	۱/۳۹	۰/۳۷▼	۰/۳۸	۱/۵۱▲	۱/۳۳
استرالیا	۲/۷۳	۲/۴۵	۰/۹۲▲	۰/۷۷	۲/۶۳▲	۲/۳۵
بنگلادش	۲/۲۹	۱/۵	۰/۲۷▼	۰/۶۷	۱/۴۴▼	۱/۶۸
ارمنستان	۰/۸۱	۰/۸۹	۱/۲۷▼	۱/۲۶	۰/۸۴▲	۰/۷۸
بوسنی و هرزگوین	۱/۲	۰/۹۸	۰/۴۶▼	۰/۵۱	۱/۱۶▲	۰/۹۱
برزیل	۱/۴۴	۰/۹۵	۰/۳۶▼	۰/۴۴	۱/۰۵▲	۰/۹۹
بلغارستان	۱/۴	۰/۸	۰/۱۳▼	۰/۰۸	۰/۸۶▲	۰/۷۵
بلاروس	۱/۷	۰/۹۹	۰/۱۰▼	۰/۱۲	۱/۰۴▲	۰/۹۵
شیلی	۱/۶۴	۱/۵۵	۰/۵۱▼	۰/۵۲	۱/۵۸▲	۱/۵۵
چین	۱/۹۷	۱/۴	۰/۲۰▼	۰/۲۴	۱/۴۷▲	۱/۴
تایوان	۲/۴۴	۲/۱۷	۰/۳۷▲	۰/۳۰	۲/۲۴▲	۲/۱۵
کلمبیا	-	-	۱/۹۷▼	۳/۰۲	-	-
کرواسی	۱/۶۷	۱/۱	۰/۳۴▼	۰/۳۱	۱/۲۲▲	۱/۰۴
چکسلواکی	۱/۸۸	۱/۶۴	۰/۲۶▼	۰/۲۹	۱/۷۰▲	۱/۶۱
جمهوری دمنیکن	۱/۹	۱/۵	۰/۷۷▼	۰/۹۰	۱/۶۷▲	۱/۴۹
استونی	۱/۶۴	۱/۲۸	-	-	۱/۳۸▲	۱/۱۶
فنلاند	۲/۲۸	۱/۸۷	۰/۰۸▼	۰/۱۲	۲/۰۶▲	۱/۷۳
گرجستان	۰/۷	۰/۳	۰/۳۹▲	۰/۳۰	۰/۳۴▲	۰/۲۷
آلمان	۲/۶۷	۲/۴۳	۰/۰۵▼	۰/۰۶	۲/۴۹▲	۲/۴
اتریش	۲/۱۱	۱/۵۲	۰/۵۴▼	۰/۵۶	۱/۶۹▲	۱/۳۶
هند	۱/۳۲	۰/۶۸	۰/۱۵▼	۰/۱۴	۰/۷۴▼	۰/۷۹
ژاپن	۲/۲۵	۱/۷۲	۰/۵۱▼	۰/۶۶	۱/۸۷▲	۱/۶
کره جنوبی	۲/۵۹	۲/۳۷	۰/۲۵▼	۰/۲۵	۲/۵۲▲	۲/۳۲
لاتویا	-	-	۰/۶۵▼	۰/۸۳	-	-
لیتوانی	۱/۵	۰/۹۸	۰/۱۱▼	۰/۱۰	۱/۰۳▲	۰/۹۵

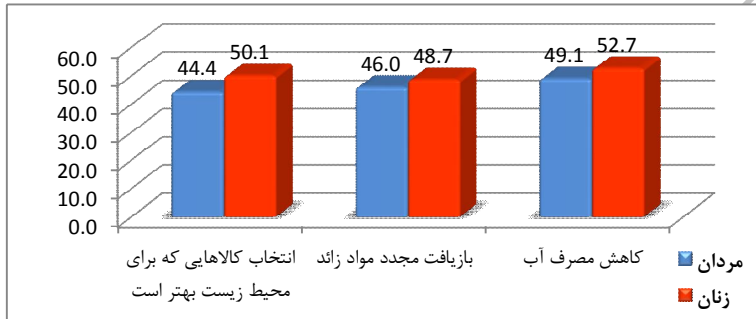
کشور	اقدام عملی (دامنه ۰-۳)		اقدام تشکیلاتی (دامنه ۰-۴)		اقدام عملی (دامنه ۰-۳)	
	زنان عضو	زنان غیر عضو	زنان	مردان	زنان	مردان
مکزیک	۱/۹۳	۱/۷۲	۰/۰۷▼	۰/۰۹	۱/۸۰▲	۱/۷۴
مولداوی	-	-	۰/۶۹▼	۰/۷۱	-	-
نیوزیلند	۲/۵۲	۲/۰۸	۰/۱۲▼	۰/۱۸	۲/۳۰▲	۱/۹۹
نیجریه	۱/۶۱	۱/۰۵	۰/۸۴▲	۰/۷۵	۱/۱۸▼	۱/۲۶
نروژ	۲/۲۱	۱/۷۹	۰/۹۳▼	۱/۲۹	۲/۰۲▲	۱/۶۱
پرو	۱/۵۲	۱/۲	۰/۵۵▲	۰/۵۰	۱/۲۶▼	۱/۲۷
فلیپین	۱/۹۹	۱/۶۱	-	-	۱/۷۰▲	۱/۶۱
لهستان	-	-	۰/۴۰▼	۰/۴۲	۱/۰۱▲	۰/۹۳
پرتوریکو	۲/۴۲	۲/۰۴	۰/۷۰▼	۰/۷۹	۲/۱۳▲	۲/۰۲
رومانی	۱/۳۲	۱/۱۱	-	-	۱/۱۸▲	۱/۰۷
روسیه	۱/۴۳	۱/۰۵	۰/۶۲▼	۰/۶۶	۱/۰۶▼	۱/۰۵
اسلواکی	۲/۰۴	۱/۴	۰/۱۹▼	۰/۲۲	۱/۴۹▲	۱/۳۸
اسلونی	۲/۳۴	۱/۹۳	۰/۱۱▲	۰/۰۷	۲/۰۲▲	۱/۸۶
آفریقای جنوبی	۱/۷۴	۱/۰۹	۰/۲۹▼	۰/۳۱	۱/۲۹▲	۱/۱۶
اسپانیا	۲/۱۶	۱/۸۶	۰/۲۸▼	۰/۳۷	۲/۰۶▲	۱/۷
سوئد	۲/۳۶	۲/۰۵	۰/۵۲▼	۰/۶۰	۲/۲۱▲	۱/۹۶
ترکیه	-	-	۰/۳۴▼	۰/۴۱	-	-
اکراین	-	-	۰/۶۵▲	۰/۵۲	-	-
مقدونیه	۱/۴۳	۱/۱	-	-	۱/۱۶	۱/۱۵
آمریکا	۲/۴۴	۲/۰۶	۰/۲۵▼	۰/۳۳	۲/۲۶▲	۲/۰۴
اروگوئه	۲/۰۲	۱/۳۴	۰/۰۸▼	۰/۱۱	۱/۵۲▲	۱/۳
ونزوئلا	۱/۷۳	۰/۹۲	۰/۳۵▼	۰/۴۲	۱/۰۷▼	۱/۰۱
صربستان و مونتنگرو	۱/۵۳	۱/۰۱	-	-	۱/۰۷▲	۰/۹۷
میانگین	۱/۷۰	۱/۴۴	۰/۴۶▼	۰/۵۳	۱/۵۲▲	۱/۳۹

منبع: پیمایش ارزش‌های جهانی، موج سوم (۱۹۹۵-۱۹۹۹)

در ستون مربوط به زنان، علامت ▲ نشان دهنده این است که زنان دارای میانگین بالاتری از مردان در آن کشور می‌باشند و علامت ▼ نشان دهنده این است که زنان دارای میانگین کمتری از مردان در آن کشور می‌باشند.

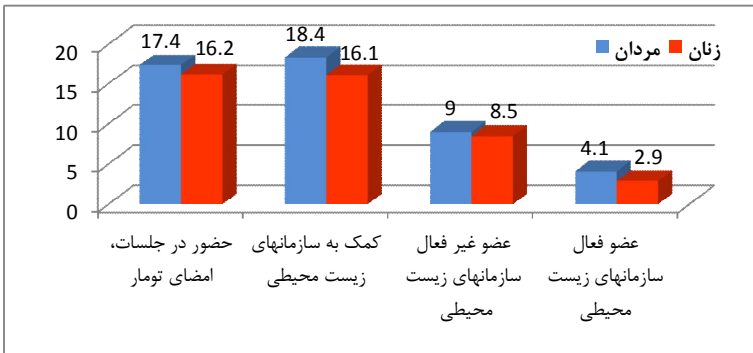
مطابق با نمودار ۱. نیز در کل کشورهای مورد بررسی، زنان در هر سه اقدام عملی دارای میانگین اقدام بیشتری می‌باشند. زنان بیشتر از مردان اقدام به کاهش مصرف آب، بازیافت مجدد مواد زائد و انتخاب کالاهایی برای محیط زیست بهتر می‌نمایند.

نمودار ۱. مقایسه اقدامات عملی (مصرف بهینه) مردان و زنان (درصد انجام اقدام)



اما در مورد اقدامات تشکیلاتی روند مذکور برعکس می‌باشد. مطابق با جدول (۱) هر چند که زنان اقدامات عملی بیشتری از مردان انجام می‌دهند اما در زمینه اقدامات تشکیلاتی از مردان منفعل تر هستند و اقدامات تشکیلاتی زیست محیطی کمتری انجام می‌دهند. آنچنانکه جدول نشان می‌دهد از ۵۰ کشور مورد بررسی تنها در ۱۳ کشور زنان اقدامات تشکیلاتی بیشتری از مردان انجام می‌دهند که عمدتاً کشورهای دارای میراث کمونیست هستند که شامل کشورهای اوکراین، گرجستان، آلبانی، بلغارستان، اسلونی، کرواسی، ارمنستان و لیتوانی می‌باشد. علاوه بر این کشورها، در استرالیا، نیجریه، تایوان، پرو و هند میزان اقدامات تشکیلاتی زنان، بیشتر از مردان می‌باشد. در سایر کشورها، مردان بیشتر از زنان در اقدامات تشکیلاتی در حفاظت از محیط زیست درگیر هستند. اهمیت اقدامات تشکیلاتی همچنان که در قسمت ادبیات تحقیق اشاره شد، درگیر کردن زنان در امر تصمیم‌گیری‌های زیست محیطی و اهمیت آن در ارتقاء اقدامات عملی آنان در حفاظت از محیط زیست می‌باشد.

نمودار ۲. مقایسه اقدامات تشکیلاتی مردان و زنان (درصد انجام اقدام)



همچنان که نمودار شماره ۲. نیز نشان می‌دهد در اقدامات تشکیلاتی، زنان کشورهای مورد بررسی، کمتر از مردان درگیر این نوع اقدامات می‌باشند. همچنان که مشاهده می‌شود زنان و مردان تقریباً به یک اندازه عضو غیر فعال سازمان‌های زیست محیطی هستند، ولی مردان تقریباً یک سوم بیشتر از زنان عضو فعال سازمان‌های زیست محیطی هستند. این روند در کمک به سازمان‌های زیست محیطی و حضور در جلسات و امضای تومار زیست محیطی نیز صادق است. این در حالی است که افزایش اقدامات تشکیلاتی تاثیر بسیاری بر اقدامات عملی زنان و مردان دارد. به‌ویژه در مورد زنان که با توجه به نقش عمده در مدیریت خانه درگیر مسائل مرتبط با محیط زیست می‌باشند. در جدول شماره (۱) میانگین اقدامات عملی زنان عضو و غیر عضو تشکلهای زیست محیطی آورده شده است. همچنان که مشاهده می‌شود در تمام کشورهای مورد بررسی (بجز ارمنستان) زنان عضو تشکلهای زیست محیطی اقدامات عملی بسیار بیشتری از زنان غیر عضو تشکلهای انجام داده اند که نشان دهنده ارتقاء نگرش‌های زیست محیطی از طریق درگیری در فعالیتهای حفاظت از محیط زیست است.

بررسی میزان عضویت انجمنی زنان در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که طی دو دهه‌ی اخیر میزان عضویت زنان افزایش یافته است به گونه‌ای که مقایسه میزان عضویت

در تشکلهای حفاظت از محیط زیست در پیمایش ارزشهای جهانی طی سالهای ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۴ (بین موجهای اول، دوم و چهارم پیمایش ارزشهای جهانی) افزایش یافته است.^{۱۵} این روند در اکثر کشورهای مورد بررسی عضویت زنان در تشکلهای حفاظت از محیط زیست افزایش یافته است. هر چند که این عضویت هنوز کمتر از مردان می باشد. این امر نشان دهنده محروم بودن زنان از روندهای تصمیم گیریهای زیست محیطی علی رغم اقدامات عملی تر در سطح خرد می باشد. زیرا این تشکلهای به عنوان گروههای فشار در روند تصمیم گیریهای زیست محیطی می توانند تاثیر گذاری زیادی داشته باشند. این روند به ویژه در مورد عضویت های فعال در تشکلهای بیشتر مشخص می باشد.

۲-۴. گروههای نسلی^{۱۶} و اقدامات زیست محیطی

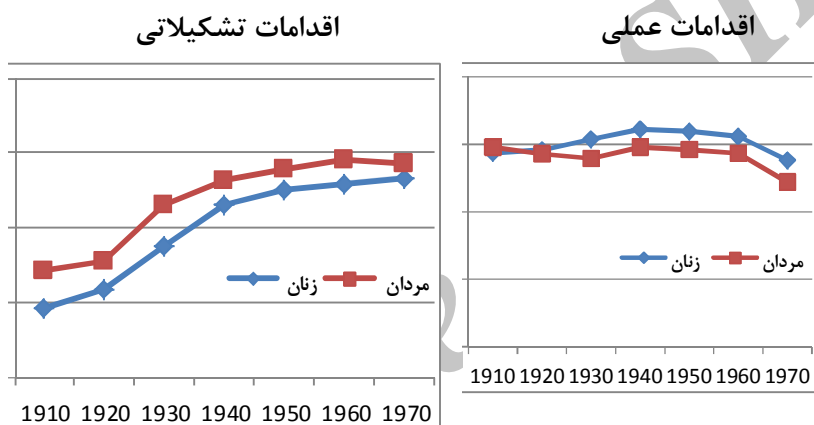
همچنانکه مشاهده شد در اکثر کشورهای مورد بررسی زنان نسبت به مردان اقدامات عملی بیشتری در حفاظت از محیط زیست انجام می دادند در صورتی که در اقدامات تشکیلاتی زنان کمتر از مردان مشارکت می نمایند. هر چند که این روند در حال افزایش می باشد. همچنان که اینگلهارت اشاره می کند نگرشهای زیست محیطی و مشارکت در جنبش های و سازمان های زیست محیطی بازتابی از گسترش ارزش های فرامادی گرایانه است [۶، ص ۱۸۴]. ارزش های فرامادی گرایانه به جای تأکید بر توجهات مادی گرایانه درباره اقتصاد و امنیت فیزیکی، روی آزادی، خودشکوفایی و کیفیت زندگی تأکید می نماید [۱۴، ص ۳۳۶؛ ۵، ص ۴۱]. به عقیده اینگلهارت تغییر اولویت های مادی گرایانه به فرامادی گرایانه بالقوه یک روند جهانی است [۱۴، ص ۳۴۷؛ ۱۵، ص ۱۶]. تئوری اینگلهارت از تغییر ارزشی پیش بینی می کند که جایگزینی جمعیتی بین نسلی به تدریج منجر به تغییر بلند مدت از ارزش های مادی گرایانه به فرامادی گرایانه می شود. نسل های جوانتر

^{۱۵}. هر چند که نوع پرسش سوال در مورد مشارکت انجمنی در موج چهارم متفاوت می باشد ولی با توجه به فضای مفهومی نزدیک سوالات در موج های مختلف به صورت مقایسه ای در اینجا آورده شده است.

^{۱۶}. cohorts

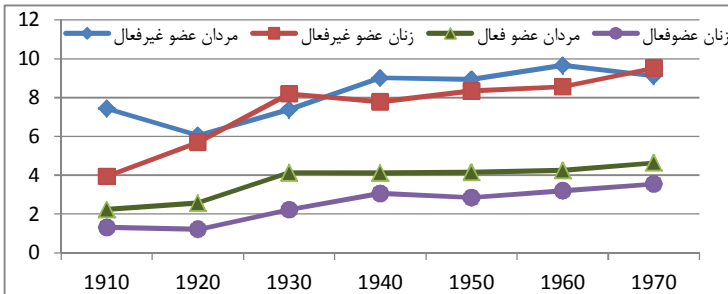
به طور قابل ملاحظه‌ای نسبت بالاتری از اولویت‌های فرامادی گرایانه مانند اولویت‌های زیست محیطی نسبت به نسل‌های پیرتر دارند. این پدیده تنها به کشورهای دموکراتیک غربی محدود نمی‌شود. این امر هم در کشورهای دارای دامنه وسیعی از نهادهای اقتصادی و سیاسی و هم در کشورهای با نهادهای سنتی، پیدا می‌شود [۱۴، ص ۳۳۷ و ۳۳۸].

نمودار ۳. مقایسه اقدامات عملی و تشکیلاتی مردان و زنان بر حسب گروه‌های نسلی (متولدین دهه ۱۹۱۰ تا ۱۹۷۰)



نمودارهای شماره ۳. اقدامات عملی و تشکیلاتی گروه‌های نسلی زنان و مردان را برای گروه‌های نسلی دهه‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۷۰ نشان می‌دهد. (متولدین هر دهه به‌عنوان گروه نسلی آن دهه آورده شده است). بررسی درصد عضویت فعال و غیر فعال در سازمان‌های زیست محیطی نیز نشان می‌دهد که در عضویت فعال در تمام گروه‌های نسلی، مردان عضویت فعال بیشتری در سازمان‌های زیست محیطی دارند ولی همچنان که در نمودار شماره ۴. مشخص است این فاصله بین زنان و مردان در عضویت فعال در گروه‌های نسلی جوان‌تر در حال کم شدن می‌باشد.

نمودار ۴. مقایسه درصد عضویت در سازمان‌های زیست محیطی بر حسب گروه‌های نسلی (متولدین دهه ۱۹۱۰ تا ۱۹۷۰)



در مورد عضویت غیر فعال زنان در بعضی گروه‌های نسلی بیشتر از مردان در سازمان‌های داوطلبانه زیست محیطی عضویت دارند. به طوری که مشاهده می‌شود در گروه‌های نسلی دهه های ۱۹۳۰ و ۱۹۷۰ زنان بیشتر از مردان در این سازمان‌ها عضویت غیر فعال دارند. در زنان میانسال نیز این فاصله بسیار کم می‌باشد.

۵. بحث و نتیجه گیری

مطابق با یافته‌ها، زنان در پایداری محیط زیست نقش عمده ای دارند. زنان با توجه به نقشی که در عرصه‌های گوناگون دارند، قادر به تاثیر گذاری بسیار بر محیط زیست هستند. در بسیاری از نقاط دنیا به‌ویژه نقاط روستایی، زنان از مهم‌ترین نیروهای درگیر در امر کشاورزی و در نتیجه ارتباط مستقیم با محیط زیست هستند. در این زمینه زنان دارای دانش و تخصص بسیار در مورد مسائل مرتبط با محیط اطراف خود هستند. نقش آنان در کشاورزی، تربیت حیوانات، تهیه آب به‌ویژه در مناطق کویری، کشت و مراقبت از باغچه‌های خانگی، مصرف خانوار و... بسیار پر رنگ بوده و می‌توانند تاثیر بسیاری بر محیط زیست اطراف خود داشته باشند.

همان‌گونه که مشاهده شد زنان می‌توانند نقش مهمی در حفاظت از محیط زیست و مصرف بهینه منابع داشته باشند. با این حال نقش آنان در روندهای تصمیم‌گیری زیست محیطی چندان ملموس نمی‌باشد، هر چند که در سال‌های اخیر زنان نقش پر

رنگ تری را در روندهای تصمیم گیری‌های زیست محیطی بر عهده دارند. با این حال ورود زنان به عرصه تصمیم سازی و ارائه آموزش‌های لازم به آنان و بالا بردن آگاهی‌های زیست محیطی و دادن اطلاعاتی در زمینه چگونگی تاثیر گذاری آنان بر محیط زیست اطرافشان، می‌تواند تا حدی حداقل در سطح محیط زندگی به کاهش تخریب و آسیب به محیط زیست کمک نماید. به‌علاوه زنان این اطلاعات و آموزش‌ها را به فرزندان خود منتقل کرده و نسلی تربیت خواهد شد که در عرصه‌های مختلف حافظ محیط زیست و طبیعت خواهد بود. بنابراین رغم پذیرش موضوع برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان، هنوز هم در سطوح تصمیم‌گیری، فاصله چشمگیری بین زنان و مردان در مشاغل مرتبط با تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی وجود دارد [۲، ص ۱۷۸].

هر چند در مطالعه حاضر ایران به دلیل عدم پرسش متغیرهای مطالعه، مورد بررسی قرار نگرفت ولی بررسی شواهد تجربی از سایر موج‌های پیمایش ارزش‌های جهانی و چند مطالعه‌ای که در داخل از کشور انجام شده روند مشابهی را نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال در موج پنجم پیمایش ارزش‌های جهانی ۹/۴ درصد زنان در مقابل ۱۱ درصد مردان اعلام کرده بودند که در سازمان‌های حفاظت از محیط زیست عضویت دارند.

بنابراین زنان عملاً اقدامات عملی بیشتری در جهت حفاظت از محیط زیست و استفاده بهینه از منابع انجام می‌دهند و در زندگی روزانه خود بیشتر از مردان در جهت حفظ محیط زیست اقدام می‌کنند. بنابراین افزایش حضور زنان در روندهای تصمیم سازی زیست محیطی نه تنها آگاهی آنان را نسبت به مسائل زیست محیطی افزایش خواهد داد بلکه می‌تواند با انتقال دانش و تجارب روزانه، آنها را به مشارکت فعالانه‌تر در برنامه‌های مختلف ترقیب نماید و در کل موفقیت طرح‌های حفاظت از محیط زیست را افزایش دهد.

منابع

- [۱] خسروی پور، بهمن و ناهید فروشانی (۱۳۹۰). مشارکت زنان و توسعه پایدار روستایی، کار و جامعه، خرداد و تیر، شماره ۱۳۲ و ۱۳۳.
- [۲] روح افزا، فائزه و عطیه اکرامی (۱۳۸۸). ضرورت توجه به اهمیت نقش زنان در راستای اهداف توسعه پایدار، فرهنگ، تابستان، شماره ۷۰.
- [۳] شاهرودی، علی اصغر، محمد چیذری و بهاره توسلی (۱۳۸۵). تأثیر دانش بومی زنان روستایی بر توسعه پایدار کشاورزی، جهاد (ترویج کشاورزی و توسعه روستایی)، خرداد و تیر، شماره ۲۷۱.
- [۴] صفری شالی، ر. (۱۳۸۰). نقش توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی زنان در توسعه پایدار روستایی، مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد زنان روستایی و عشایر، معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد کشاورزی.
- [5] Abramson Paul R. et al. (1997). Research in Context: Measuring Value Change. Political Behavior, Vol. 19, No. 1, The Economics of Politics in Comparative Perspective Revisited. Mar: 41-59.
- [6] Abramson Paul R and Ronald Inglehart (1992). Generational Replacement and Value Change in Eight West European Societies. British Journal of Political Science, Vol. 22, No. 2. Apr: 183-228.
- [7] Armitage Derek R. and Bala Hyma (1997). "Sustainable Community-based Forestry Development: A Policy And Programme Framework To Enhance Women's Participation". Singapore Journal Of Tropical Geography , 18(1), 1997, 1-19
- [8] Begum Julekha (2004). "Women, Environment And Sustainable Development: Making The Links". In Women and the Environment. Edited By United Nations Environment Programme. Published By The United Nations Environment Programme (UNEP).
- [9] Bonnett M (2003). "Education for Sustainable Development: Sustainability As A Frame Of Mind". Journal of Philosophy of Education, Vol. 37, No. 4: 675-690.
- [10] Cecelski Elizabeth (2000). "The Role of Women in Sustainable Energy Development". National Renewable Energy Laboratory. Available Electronically At: [Http://www.Doe.Gov/Bridge](http://www.Doe.Gov/Bridge).
- [11] Corral Thais (2002). "Women's Sustainable Development Agenda". Natural Resources Forum 26, 249-253.
- [12] Gittel Marilyn et al (2000). "Social Capital and Social Change. Women's Community Activism". Urban Affairs Review, Vol. 36, No. 2, November 123-147.
- [13] Gururani Shubhra (2002). "Construction of Third World Women's Knowledge In The Development Discourse". Unesco 2002, Published by Blackwell Publishers.

- [14] Inglehart Ronald; Paul R. Abramson (1994). Economic Security and Value Change. The American Political Science Review, Vol. 88, No 2. pp. 336-354.
- [15] Inglehart Ronald and Wayne E. Baker (2000). "Modernization, Cultural Change And The Persistence Of Traditional Values". American Sociological Review. 65:february19-51.
- [16] Inglehart Ronald et al (2002). "Gender Equality and Democracy". Available Electronically At
:(http://margaux.grandvinum.se/SebTest/wvs/SebTest/wvs/articles/folder_publication/publication_521/files/5_gendemoc.pdf)
- [17] Krueger Rob and Lydia Savage (2007). "City-regions And Social Reproduction: A 'Place' For Sustainable Development?". International Journal Of Urban And Regional Research, Volume 31.1 March 215-23.
- [18] Lucas Emma (2001). "Social Development Strategies of a Non-governmental Grassroots Women's Organization in Nigeria". International Journal Of Social Welfare.10:185-193.
- [19] Molyneux Maxine (2002). "Gender and the Silences of Social Capital: Lessons From Latin America". Development and Change 33(2): 167-188.
- [20] Mwangi Esther (2001). "Not yet Paradise: Gender, Environment And Sustainable Development In Africa". Available Electronically At: www.worldsummit2002.org/texts/EstherMwangi.pdf
- [21] Pearl Rebecca (2003). "Common Ground. Women's Access to Natural Resources and The United Nations Millennium Development Goals". Printed on Recycled, Chlorine-free Paper By Astoria Graphics, Inc.
- [22] Rao Manisha (2012). Ecofeminism at the Crossroads in India: A Review, DEP n. 20/, Available Electronically At: www.unive.it/media/allegato/dep/n20-2012/Ricerche/Casi/11_Rao_Ecofeminism.pdf
- [23] Pezzey John C. V (2004). "Sustainability Policy and Environmental Policy". Scand. J. Of Economics 106(2), 339-359.
- [24] Ratner Blake D (2004). "Sustainability as A Dialogue Of Values: Challenges To The Sociology Of Development". Sociological Inquiry, Vol. 74, No. 1, February, 50-69.
- [25] Reynolds Fiona and Jane Esuantsiwa Goldsmith (2002). "Women And Sustainable Development - From Local To International Issues". The Millennium Papers Issue 3 Is Edited By Amy Cruse.
- [26] Segger Marie-claire Cordonier (2004). "Significant Developments In Sustainable Development Law And Governance: A Proposal". Natural Resources Forum 28, 61-74.
- [27] Tsenkova Sasha (1999). "Sustainable Urban Development In Europe: Myth Or Reality?" Joint Editors and Blackwell Publishers Ltd 1999. Published By Blackwell Publishers.
- [28] World Bank (2003). "Sustainable Development in A Dynamic World. Transforming Institutions, Growth, and Quality Of Life". A Copublication of The World Bank And Oxford University Press.